

مطالعه خط نسخ ریحانی با تکیه بر قرآن مجموعه شیخ صفی الدین اردبیلی

صابر صفایی*

تاریخ دریافت مقاله: ۹۷/۲/۳۰

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۷/۹/۱۷

چکیده

این مقاله ضمن تجزیه و تحلیل خط «نسخ ریحانی» با تکیه بر قرآن موجود در مجموعه شیخ صفی الدین اردبیلی به مطالعه عوامل شکل‌گیری و افول این خط می‌پردازد. این خط، که در منابع مختلف، به اشتباه با عناوین خط نسخ، محقق، ریحان و ثلث معرفی شده است، همانند خطوط توقیع، رقاع، تعلیق، نستعلیق از ترکیب و تلفیق دو خط مختلف ایجاد شده است. هدف اصلی این پژوهش، ضمن معرفی، تحلیل و بررسی نسخ ریحانی در نسخه قرآن خطی موجود در بقعه شیخ صفی الدین اردبیلی می‌باشد. ۱. ویژگی‌های نسخ ریحانی و نسخه قرآن شیخ صفی الدین اردبیلی کدام است؟ ۲. عوامل شکل‌گیری و فراموشی خط نسخ ریحانی چیست؟ این تحقیق به روش تحلیلی - توصیفی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و رجوع به آثار تصویری صورت گرفته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد: مطالعه این خط در قرآن شیخ صفی نشان می‌دهد که اساس و پایه کتابت خط ریحان است که با ظرافتی خاص با حروف و عناصر خط نسخ آمیخته شده و «خط نسخ ریحانی» را پدید آورده است. در این مصحف، تقریباً نیمی از حروف الفباء و اعراب و اعجام بر طبق قواعد و اصول خط نسخ نوشته شده و بقیه به «خط ریحانی» هستند. همچنین پدید آمدن خط «نسخ ریحانی» معلول عواملی چندگانه بوده است از جمله: تصرف و ذوق ورزی کاتبان آشنا با اقلام مختلف، اقتضای تندنویسی و فشرده‌نویسی قلم ریحان در کتابت قرآن، ایجاد تنوع و زیبایی در کتابت قرآن. دلایل معرفی نشدن و عدم رواج خط نسخ ریحانی را نیز می‌توان در نیاز به دقت و صرف زمان زیاد در کتابت با این خط و همچنین شباهت بسیار میان خطوط مرسوم آن دوره دانست. همچنین به سبب کم‌توجهی محققان به ویژگی‌های خاص و متمایز این خط در مقایسه با دیگر اقلام این خط کمتر به عنوان خطی مستقل مطرح شده است.

واژگان کلیدی

نسخ ریحانی، کتابت، نسخ، ریحان، قرآن، شیخ صفی الدین اردبیلی.

مقدمه

کلام وحی با بعثت پیامبر گرامی اسلام (ص) بر قلب ایشان نازل و پس از بعثت نگارش آن شروع گردید کاتبان وحی در زمان حیات پیامبر(ص) و پس از آن برای ترویج اسلام به کتابت آن پرداختند و اولین قرآن‌ها به خط کوفی در شهر کوفه کتابت و استنساخ شد. تعداد این قرآن‌ها بسیار فراوان و البته با سبک‌های شرقی و غربی در جغرافیای جهان اسلام در موزه‌ها موجود است.

در قرون اولیه هجری، در کنار انواع خط کوفی، عموماً از خطوط ششگانه (ثلث، توقیع، رقاع، ریحان، محقق و نسخ) برای کتابت قسمت‌های مختلف قرآن استفاده شده است. در این میان، به نظر می‌رسد می‌توان، در کنار اقلام مذکور، قلم مستقلی را با عنوان «نسخ ریحانی» معرفی کرد که در منابع گذشته چندان مورد توجه واقع نشده است. در این راستا، هدف اصلی این پژوهش، تحلیل و بررسی «نسخ ریحانی» در نسخه خطی موجود در بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی است که به بررسی عوامل شکل‌گیری و فراموشی آن نیز می‌پردازد.

۱. ویژگی‌های نسخ ریحانی و نسخه قرآن شیخ صفی‌الدین اردبیلی کدام است؟ ۲. عوامل شکل‌گیری و فراموشی خط نسخ ریحانی چیست؟

روش تحقیق

این پژوهش، براساس هدف، نظری- کاربردی، از منظر ماهیت و روش، توصیفی- تحلیلی و از حیث روش گردآوری داده‌ها، کتابخانه‌ای و میدانی (عکاسی چند جزو از قرآن موجود در بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی، به منظور تجزیه و تحلیل خطوط نسخ و ریحان) نوشته شده است. روش تجزیه و تحلیل در این مقاله کیفی است.

پیشینه تحقیق

در زمینه معرفی خط نسخ ریحانی، پژوهش مستقل و جامعی انجام نگرفته است، اما در منابع مختلف ضمن معرفی نسخه‌های قرآن به‌طور پراکنده عنوان «نسخ ریحانی» استفاده شده است. در کتاب خوشنویسی در خدمت کتابت قرآن مجید، تألیف مرتضی پاک سرشت (۱۳۷۸: ۳۶) عنوان «خط نسخ شبیه محقق» به کار رفته است. به سبب شباهت و نزدیکی دو خط محقق و ریحان، این عبارت را می‌توان نظیر «نسخ ریحانی» گرفت. همچنین، در کتاب ابن‌بواب (۱۳۷۷: ۴۲) به نقل از کتاب «المخطوط الوحید لابن البواب بمکتبه شستریبیتی» به عنوان «خط نسخ ریحانی» اشاره شده است: «ابن بواب دریافت که استادش ابن اسعد، اشعار را به خط نسخ شبیه به محقق می‌نویسد، او این خط را نیز به درجه کمال رسانید.» ناجی زین‌الدین نیز در کتاب مصور الخط عربی (۱۹۸۰ م: ۲۰۵)



تصویر ۱. خط نسخ مبارکشاه بن قطب ۷۲۳ هـ ق، مأخذ: موزه هنر والترز.

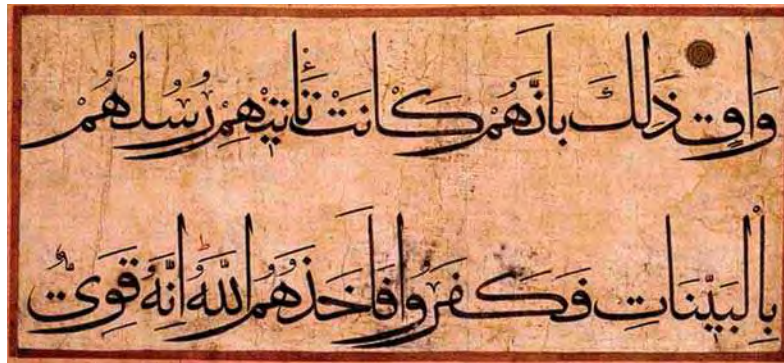


تصویر ۲. خط ریحان - برگه از قرآن، منسوب به علیرضا عباسی، اوایل قرن ۱۰ ق، مأخذ: کتابخانه آستان قدس رضوی.

در توضیح قطعه‌ای از خوشنویسی به عنوان «خط نسخ متمایل به ریحان» یاد کرده است. فاطمه کریمی در کتاب گلستان خیال (۱۳۶۷) برگه از یک قرآن را «خط نسخ ریحانی» معرفی کرده‌اند.

ویژگی‌های خطوط نسخ و ریحان

برای بررسی ویژگی‌های خط نسخ ریحانی ابتدا در مورد هریک به صورت مختصر توضیحاتی ارائه می‌شود. سپس به تجزیه و تحلیل خط نسخ ریحانی پرداخته شود. نسخ: «خط کوفی و نسخ قدیم مادر تمام قلم‌های اسلامی به‌شمار می‌روند» (قلیچ‌خانی، ۱۳۸۳: ۶۶). «خط نسخ قدیم به‌صورت انحنادار و نرم و بی‌زاویه نوشته می‌شد و به آن «مستدیر» یا «مقور» می‌گفتند» (سحاب، ۱۳۸۱: ۲۲). برخی معتقدند که ابن‌بواب خط نسخ را به حد کمال رسانید و قواعدی که او برای خط نسخ وضع کرد هنوز هم معمول است. او برای خط نسخ، سطح، دور و تناسب تعیین کرد که تا قبل از آن مرسوم نبود (ابن بواب، ۱۳۷۷: ۳۷). از ویژگی‌های خط نسخ می‌توان به این موارد اشاره کرد: «نقطه در خط نسخ شبیه مربعی است که چهار



تصویر ۳. قسمتی از قرآن مشهور بایسنغری به خط محقق، مأخذ: موزه آستان قدس رضوی.

نیاز به قرآن‌هایی بود که به وسیله کاتبان قرآن کتابت و استنساخ می‌شد. «در قرون اولیه هجری، قرآن به خط کوفی و روی پوست نوشته می‌شد» (پاک سرشت، ۱۳۷۸: ۵۶). «شمار قرآن‌ها و قطعه‌های شناخته شده به خط کوفی بی‌اندازه زیاد است و تقریباً هر روز نسخه‌های جدیدی کشف می‌شود، اما از لحاظ شیوه، حتی دو نسخه آن کاملاً شبیه به هم نیست» (شیمیل، ۱۳۶۸: ۳۱). خط کوفی انواع مختلف: تحریری، تزئینی، بنایی و دو سبک گسترده غربی و شرقی دارد. در کتاب هنرهای دستی و سیر تحول آن در ایران، برای انواع خط کوفی تحریری، ۴۷ نوع خط کوفی مشرقی (با ذکر عناوین و توضیحات) معرفی شده (مقتدایی و ابن عباسی، ۱۳۹۰: ۳۵۷) که نشانگر تنوع سبک نگارشی کاتب و اقوام مختلف اسلامی در این خط است.

از موارد ذکر شده چنین برمی‌آید که یکی از عوامل تعدد انواع و عناوین خطوط می‌توانست برآمده از ذوق و تصرف کاتبان در جهت زیبا نمودن خط بوه باشد. یکی از زمینه‌های پیدایش خط «نسخ ریحانی» را نیز می‌توان همین عامل دانست که به تلفیق دو قلم متفاوت انجامیده است. تلفیق و ترکیب اقلام خوشنویسی در دوره‌های قبل مرسوم بوده است، به عنوان مثال، خط رقاغ که از ترکیب ثلث و نسخ بوده و به روایتی از «خط پهلوی و اوستایی نیز تاثیر گرفته است» (ذابج، ۱۳۶۴: ۷۰) و همچنین خط تعلیق که از ترکیب دو خط رقاغ و توقیع است و یا خط نستعلیق (نسختعلیق) که از نسخ و تعلیق ایجاد شده است، همچنین خط توقیع که ترکیبی از خطوط نسخ و ثلث است که فرم و اشکال خط ثلثی آن بیشتر از خط نسخ است و به همین دلیل از خط رقاغ درشت‌تر و رشیدتر است. «نسخ ریحانی» نیز خطی است که از ترکیب دو خط «نسخ» و «ریحان» به وجود آمده و به عبارتی نسخ آمیخته به ریحان و یا ریحان آمیخته به نسخ است. کاتبان و خوشنویسان در دوره‌های متقدم معمولاً به چند نوع قلم خوشنویسی مسلط بوده‌اند (مانند کاتب قرآن شیخ صفی الدین اردبیلی) و از خطوط مختلف در کتابت و نگارش

گوشه آن کمی نرم‌تر از نقطه خط ثلث و محقق است. ارتفاع «الف» آن پنج نقطه و داخل حرف «ن» سه نقطه است (تصویر ۱). «الف»‌ها در خط نسخ اصلاً طره ندارند ولی بر سر «الف» حروفی مثل (ط - ل - ک) طره یا سرک گذاشته می‌شود» (صفای، ۱۳۸۷: ۴۶).

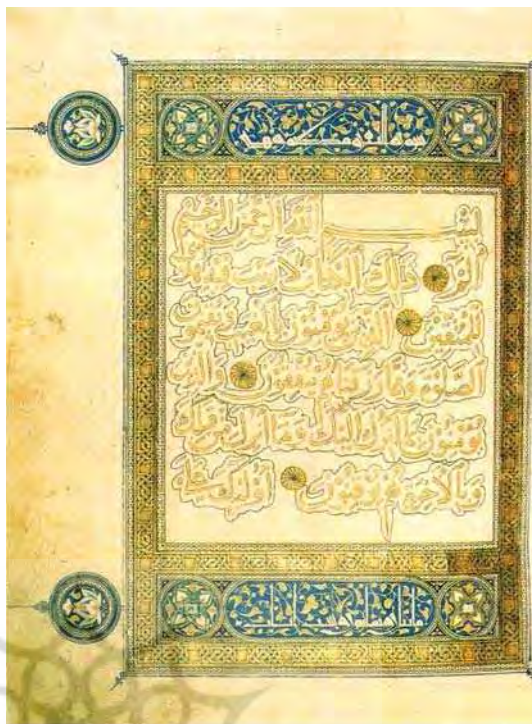
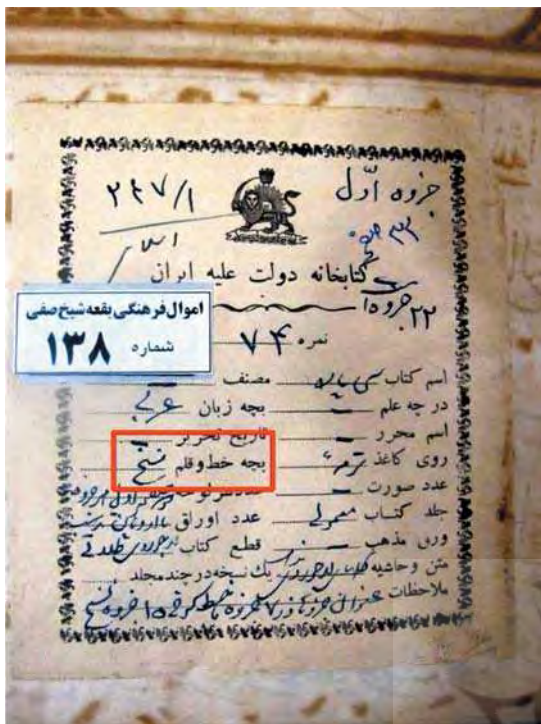
ریحان: «ریحان را بعضی مشتق از محقق و گروهی مشتق از نسخ می‌دانند، ولی پاره‌ای ویژگی‌های خط ثلث را هم دارد، اگرچه از آن ظریف‌تر است. روی هم‌رفته، وقتی محقق به اندازه نسخ نوشته شود، آن را ریحان می‌خوانند» (سحاب، ۱۳۸۱: ۳۸). ریحان خطی است شبیه به محقق، که سال‌ها بعد از آن پدید آمد. به نحوی که آن را باریک محقق نیز نام نهاده‌اند (مقتدایی و ابن عباسی، ۱۳۹۰: ۴۰۵).

خط ریحان را مشتق از خط نسخ می‌گفتند، لکن آشکار است که بعضی ویژگی‌های خط ثلث را داراست، اگرچه از آن بسیار لطیف‌تر است. به‌طور عمده در اثر همین لطافت است که بعضی محققان به خطا نام آن را با نام مشابه گیاهی که ساقه‌های بسیار لطیف دارد یکی می‌شمارند» (ذابج، ۱۳۶۴: ۶۴).

ویژگی خط ریحان: «در خط ریحان، حروف، به‌ندرت با هم تداخل دارند و در یک سطر کنار هم نوشته می‌شوند ولی می‌توانند روی هم سوار شوند (تصویر ۲). در اعراب‌گذاری و تزئینات خط ریحان نیز مانند خط ثلث از قلم کوچک‌تری که تقریباً قلم اصلی است استفاده می‌شود که باعث ایجاد تنوع و زیبایی بیشتر اثر می‌شود» (صفای، ۱۳۸۷: ۴۴).

«خط ریحان از نظر سطح و دور، فاصله، تداخل و شکل حروف، مانند خط محقق است و تنها تفاوت آنها از لحاظ اندازه حروف است. به عنوان مثال، اندازه «الف» در ریحان شش نقطه و در خط محقق هشت نقطه است» (همان، ۱۳۸۷: ۴۵).

عوامل شکل‌گیری و فراموشی خط نسخ ریحانی بعد از ظهور دین اسلام و برای بسط و معرفی آن،



تصویر ۴. برگی از قرآن به خط نسخ ریحانی، مأخذ: افروند، ۱۳۷۵: ۶۴.

تصویر ۵. شناسنامه قرآن موزه شیخ صفی، مأخذ: نگارنده.

فاصله‌های منظم و ریتمیک، وضوح و خوانش سهولت، یکدستی و سادگی بودن، از ویژگی‌های خاص خط محقق است. در این خط، هر حرف شکل ثابت و معینی دارد و در واقع حق هر حرف به خوبی ادا می‌گردد و با حروف دیگر اشتباه نمی‌شود. تنها حروف شبیه به هم در این خط حروف کاف و لام هستند که به کمک علامت کوچک کاف روی حرف (ک) از اشتباه عاری می‌گردند.

برای شناخت بیشتر «خط محقق» می‌توان گفت که نقطه در محقق به شکل مستطیل است و اندازه ارتفاع «الف» در آن به طور معمول «هشت» تا «نه» نقطه است. طول و داخل حرف «ن» به اندازه شش نقطه است ولی در مواقعی برای هماهنگی با حروف ماقبل و مابعد خود و تنظیم سطر، کوچک‌تر و بزرگ‌تر نیز نوشته می‌شود. در نحوه طره‌گذاری، دو خط محقق و ریحان کاملاً مشترک‌اند. همچنین اکثر مفردات و اتصالات آن‌ها با تمام قلم نی نوشته می‌شود.

در خط محقق و ریحان، حروف متداخل نوشته نمی‌شوند و معمولاً در یک سطر کنار هم قرار می‌گیرند ولی می‌توانند روی هم سوار شوند. ترکیب‌های دوسطری و چندسطری در این خط کمتر مرسوم بوده ولی در کتیبه‌نگاری، آثار و قطعه‌های خوش‌نویسی نمونه‌هایی موجود است. محقق سابقاً در نوشتن قرآن‌های بزرگ و کتاب‌های مهم به کار می‌رفته است که نمونه بارز آن قرآن مشهور بایسنغری

استفاده کرده‌اند. می‌توان انتظار داشت کاتبی که به چند نوع خط مسلط بوده گاه ناخواسته و گاه آگاهانه عناصر و قواعد خطوط را با هم ترکیب و تلفیق می‌کرده است. از این رو در کتابت قرآن با خط ریحان عناصری از خط نسخ را که نوشتن آن راحت‌تر و یا سریع‌تر بوده و یا فضای کم‌تری را می‌طلبیده است با خط ریحان آمیخته و «خط نسخ ریحانی» پدید آمده است. حتی می‌توان این احتمال را طرح کرد که در ایجاد و ابداع خطوط مزبور عمد و اصراری نبوده و هریک از خطوط بر اثر تصرف و ذوق‌ورزی استادان و سپس تقلید و متابعت شاگردان و خوشنویسان بعدی رواج و رسمیت یافته است. قاعدتاً کاتبی که نسخ ریحانی می‌نوشته به هردو خط نسخ و ریحان مسلط بوده و به تناسب حال یا برای تنوع و زیبایی به نگارش خط نسخ ریحانی پرداخته است.

از طرفی، می‌توان احتمال داد که «خط ریحان» در کتابت رقیب سرسختی برای «خط نسخ» بوده است. شکل کلمات و حروف خط ریحان، مانند خط «محقق» بوده و تمامی خصوصیات آن را داشته است.

محقق خطی درشت‌اندام، بدون تداخل حروف و یکنواخت با کمال روشنی و وضوح، که در قدیم مقیاسی برای دیگر خطوط و منشأ پیدایش اقلام دیگری بوده است. خطی است در نهایت سادگی و روان که یک‌چهارم آن دور و سه چهارم آن سطح است. شکوه و عظمت، اندام درشت،



تصویر ۶- برگه از قرآن کریم به خط نسخ ریحانی، مأخذ: موزه ملی ایران، ۱۳۷۵: ۶۴.

اندازه حروف از خط «نسخ» کمی بزرگتر بود و فضای بیشتری را برای کتابت طلب می‌کرد و با توجه به گرانی و کمبود کاغذ در قدیم، خط ریحان جای خود را در کتابت به خط نسخ داد. یکی دیگر از دلایل عدم کتابت با قلم ریحان پایین بودن سرعت کتابت با این خط است. برخلاف خط ریحان، چون نشانه و اعراب در خط نسخ با همان قلم نوشته می‌شود تا حدودی باعث تسریع در امر کتابت می‌شود که این هم از عوامل پایداری نسخ در کتابت است، ولی در خطوط دیگر مانند (ریحان، محقق و ثلث) اعراب و تزئینات، با قلم مجزا نوشته می‌شود که امر کتابت را کندتر می‌نماید (صفایی، ۱۳۸۷: ۵۵).

از عوامل دیگری که باعث شده «خط نسخ ریحانی» در کنار سایر اقلام مطرح و معرفی نشود، عدم شناخت کافی کارشناسان و خط‌شناسان در مورد ویژگی انواع خط است. خطوط ششگانه از جهاتی خیلی شبیه به یکدیگر هستند. به عنوان نمونه، تفاوت خط محقق و ریحان، در اندازه قلم و حروفشان است. همچنین در خط رقا و توقیع نیز همین تفاوت وجود دارد و توقیع کمی درشت‌تر از رقا است. بنابراین شناخت کامل آن‌ها به استادی در خوشنویسی و یا تحقیق موشکافانه و خیلی دقیق و ظریف بستگی دارد. همین شباهت باعث شده در منابع زیادی اسم خطوط اشتباه نوشته شده و در نتیجه باعث سردرگمی مخاطب شود.

برای مثال، نمونه‌هایی از اشتباهات مذکور در پی می‌آید:

از آثار دوره تیموری است و نمونه‌های از صفحات آن در موزه‌ها و کتابخانه‌های ایران از جمله در کتابخانه آستان قدس رضوی، کاخ گلستان و بسیاری از مجموعه‌های خصوصی داخل و خارج از کشور نگهداری می‌شوند.

از خصوصیات خطوط محقق و ریحان برمی‌آید که کاملاً مناسب برای کتابت و به خصوص کتابت اشعار و متون مهم و حساس بوده‌اند و در رساله‌ها و کتب خوشنویسی به این مهم اشاره شده است (تصویر ۳). کتابت قرآن نیز به خاطر نیاز به خوانایی بهتر دارای حساسیت ویژه‌ای بوده است از این رو از خطوطی مثل ریحان و نسخ بیشتر از بقیه خطوط در کتابت مصحف شریف استفاده شده است.

اندام حروف خط ریحان بزرگتر از خط نسخ است ولی خط نسخ ریحانی که ترکیبی از این دو خط است تقریباً اندامی حدواسط خطوط ریحان و نسخ را داراست. در خط نسخ ریحانی خط غالب ریحان است ولی خصوصیات نسخ را هم داراست بدین صورت که اگر اندازه ارتفاع «الف» در خط ریحان شش نقطه است، در خط نسخ ریحانی ۵ نقطه است. این تناسب در حروف دیگر مانند «م، س، د» و ... نیز اتفاق افتاده و در اندازه کوچک‌تر و نزدیک به خط نسخ نوشته شده است و این باعث شده که برخی محققان و کارشناسان در شناخت این خط و تمیز آن از خطوط نسخ و ریحان دچار اشتباه شوند.

بنابراین شاید بتوان گفت که چون خط ریحان از نظر



تصویر ۷. برگگی از قرآن کریم به خط نسخ ریحانی، مأخذ: جزایری، ج دوم ۶۳.



تصویر ۸. قسمتی از قرآن چستریبتی به خط نسخ ریحانی ابن بواب، مأخذ: ابن بواب، ۱۳۷۷: ۵۸.

خوشنویسان زیادی به خط نسخ متمایل شده و به تناسب آن نسخه‌های زیادی با این خط استنساخ و کتابت شدند. همچنین ظهور و کاربرد خط نستعلیق در کتابت از قرن هشتم هـ. ق. نیز در بی توجهی به خط نسخ ریحانی و همچنین سایر خطوط ششگانه بی تأثیر نبوده است.

قرآن‌های زیادی توسط خوشنویسان مشهوری چون ابن بواب، یاقوت، و ارغون کاملی به خط نسخ ریحانی نوشته شده‌اند که تعدادی از آن‌ها در جدول ۱ قابل مشاهده است.

از شواهدی که در بالا ذکر شد می‌توان این‌طور برداشت نمود که خط «نسخ ریحانی» وجود داشته ولی چون شباهت بسیار زیادی با نسخ و ریحان داشته و به عبارتی از ترکیب ظریف و منسجم آن دو خط ایجاد گردیده بود تشخیص و معرفی آن کاری دشوار بوده است.

غیر از تصاویر و نمونه‌هایی که معرفی شدند، از منابعی که نشان می‌دهد خط «نسخ ریحانی» وجود داشته نیز به مواردی اشاره می‌شود. همان‌گونه که در پیشینه نیز مطرح شد، در کتاب ابن بواب به نقل از کتاب «المخطوط الوحید لابن البواب بمکتبه شستریبتی» این‌گونه نوشته‌اند: «ابن بواب دریافت که استادش ابن اسعد، اشعار را به خط نسخ شبیه به محقق می‌نویسد، او این خط را نیز به درجه کمال رسانید» (ابن بواب، ۱۳۷۷: ۳۶). با توجه به مطالبی

«در صفحه ۷۸ کتاب گلچینی از قرآن‌های خطی موزه دوران اسلامی، تصویری از یک قرآن به خط ریحان، ۹۵۲ ق. وجود دارد ولی کارشناسان موزه، آن را خط محقق و نسخ و ثلث معرفی نموده‌اند.

در صفحه ۶۲ نیز برگگی از قرآن به خط ریحان را خط نسخ، معرفی نموده‌اند» (افروند، ۱۳۷۵: ۶۳، ۷۷، ۷۹).

در قرآن شماره ۳۹ صفحات ۲۴-۲۵ نیز شبیه همین اشتباه انجام شده است و کارشناسان، خط ریحان خالص را خط نسخ معرفی نموده‌اند» (یوسفی، ۱۳۹۱: ۱۵-۲۴-۲۵).

در مورد خط نسخ ریحانی نیز که مورد بحث این مقاله است اشتباهاتی صورت گرفته است که به چند مورد با ذکر منبع اشاره می‌کنیم.

درباره قرآن مورد بحث همین مقاله که به خط نسخ ریحانی است، کارشناسان میراث فرهنگی دچار اشتباه شده و در شناسنامه اثر آن را خط نسخ ثبت کرده‌اند (تصویر ۴).

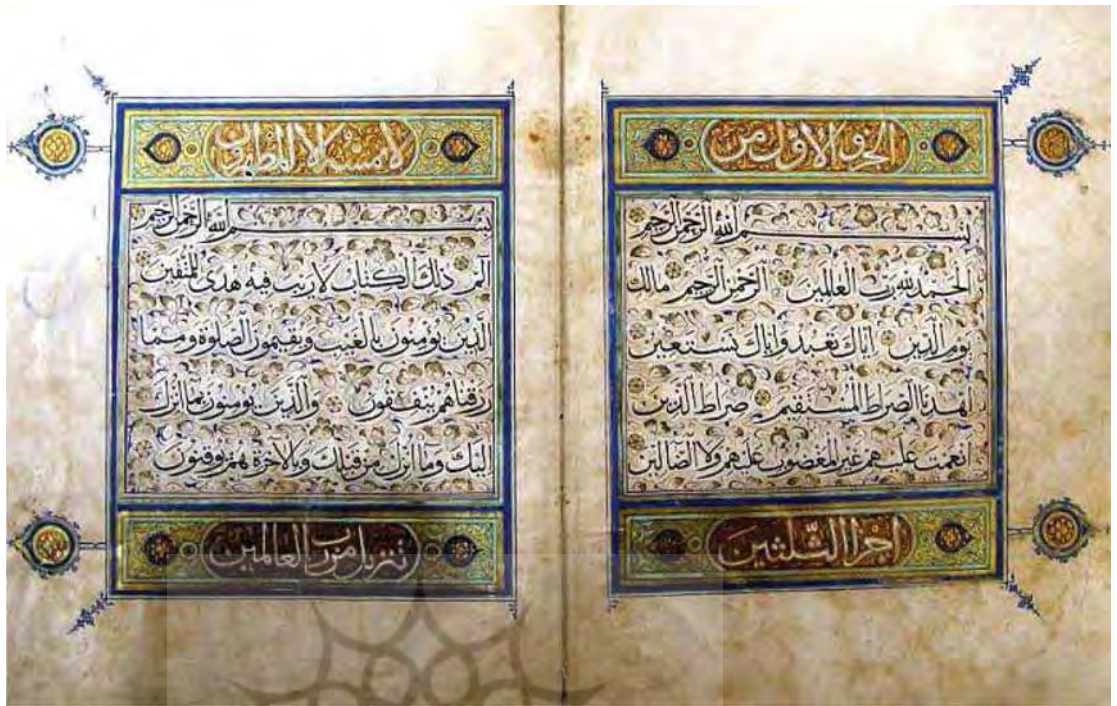
تصویر بالای صفحه ۱۶۸ کتاب مصور الخط العربی به خط نسخ ریحانی است ولی نویسنده آن را خط ثلثی معرفی نموده است (زین‌الدین، ۱۹۸۰ م: ۱۶۸).

در صفحه ۶۰ کتاب گلچینی از قرآن‌های خطی موزه دوران اسلامی، تصویری از قرآن کریم ۷۳۹ ق. به رقم احمد بن المحسنی است (تصویر ۵). خط این قرآن در واقع، خط نسخ ریحانی است ولی اینجا هم به اشتباه، خط نسخ، معرفی شده است (افروند، ۱۳۷۵: ۶۱).

دارای رقم «ارغون الکاملی فی سنه خمس و اربعین و سبع مائه» به شماره ۳۷۹۰ در موزه ملی ایران نگهداری می‌شود و به خط «نسخ ریحانی» است (تصویر ۶) ولی به اشتباه در کتاب گلچینی از قرآن‌های خطی موزه دوران اسلامی خط نسخ معرفی شده است» (همان، ۶۵).

در جلد دوم کتاب خط و خوش‌نویسی، نویسنده کتاب در بخش خط ثلث، به اشتباه، صفحاتی از قرآن کریم را که به خط نسخ ریحانی است با عنوان ثلث معرفی نموده‌اند و در صفحه ۶۳ کتاب (تصویر ۷)، خط آن را چیزی ما بین نسخ و ثلث دانسته‌اند (جزایری، ج دوم ص ۶۳).

در کتابت‌های مختلفی که با خط نسخ ریحانی انجام شده و نمونه‌های زیادی در موزه‌ها و کتابخانه‌ها موجود است به تناسب سبک شخصی کاتب، برخی حروف نسخی و برخی ریحانی هستند و این حروف به تناسب دوره یا محل کتابت می‌توانست متفاوت باشد. احتمالاً بنا به دلایلی که این سبک و روال تلفیق نسخ با ریحان ادامه پیدا نکرده از این رو شکل کلی و قواعد خط نسخ ریحانی نیز متغیر بوده است. دلیل دیگری که باعث شده این خط (نسخ ریحانی) به تکامل لازم نرسد، تمایل و اقبال عمومی با خط نسخ بوده چرا که از دوره صفویه و به خصوص با ظهور و شهرت میرزا احمد نیریزی در خط نسخ،



تصویر ۹. صفحات افتتاح جزو اول قرآن کریم مجموعه شیخ صفی الدین اردبیلی، شماره موزه: ۱۳۸، مأخذ: نگارنده.

ریحانی» باشد. «نسخه کاملی از قرآن کریم، به خط علی بن هلال (ابن بواب) که در سال ۳۹۱ قمری کتابت شده و در موزه چستربیتی نگهداری می‌شود.

با وجود این که بیش از هزار سال از کتابت نسخه خطی ابن بواب و قرآن معروف چستربیتی به خط نسخ ریحانی گذشته است هنوز به عنوان قرآن کوچک و منحصر به فرد، یکی از شاهکارهای هنر اسلامی به شمار می‌آید. این قرآن بر اساس کتیبه آخر قرآن توسط هنرمند بزرگ شیعه، استاد بزرگ هنر خوشنویسی و تذهیب، علی بن هلال مشهور به ابن بواب، در دوران حکومت شیعی آل بویه در سال ۳۹۱ ق در شهر بغداد کتابت و تذهیب شده است. «خط این نسخه، نسخ آمیخته به ریحان یا نسخ ریحانی است» (ابن بواب، ۱۳۷۷: ۴۲). در کتاب اطلس خط حبیب اله فضائلی، به نقل از کتاب مصور الخط عربی، در صفحه ۳۰۵، از این مجموعه به عنوان «خط نسخ متمایل به ریحان» یاد شده است. در قرآن ابن بواب، خط پایه نسخ است و حروف (راء - واو - ح - میم) مرسل و ریحانی نوشته شده و همچنین کلمه جلاله «الله» ریحانی است. (الف و لامها و گاهی ب - ی - ت و دندانه‌های مشابه آنها نیز طره ریحانی دارند (تصویر ۸).

در کتاب مصور الخط عربی، ناجی زین الدین در صفحه ۳۰۵، نیز در توضیح صفحه‌ای از این مجموعه به عنوان

که قبلاً ذکر شد، خط ریحان، همان خط محقق است و فقط تفاوت عمده آنها در اندازه قلم و حروف است. بنابراین منظور از «نسخ شبیه به محقق» نیز می‌تواند همان «نسخ

جدول ۱. قسمتی از قرآن چستربیتی به خط نسخ ریحانی ابن بواب، مأخذ: ابن بواب، ۱۳۷۷: ۵۸.

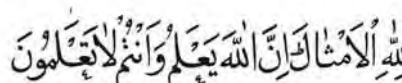
	
صفحه‌ای از قرآن، مأخذ: ۱۴۰۰ سال قرآن کریم در گنجینه موزه ترک و اسلامی	انجام قرآن به خط و تذهیب ابن بواب، ۳۹۱ هـ.ق. مأخذ: ابن بواب، ۱۳۷۷
	
صفحه‌ای از قرآن، مأخذ: ۱۴۰۰ سال قرآن کریم در گنجینه موزه ترک و اسلامی	بخشی از قرآن موزه مجلس، مأخذ: نظریان، ۱۳۸۸.
	
صفحه‌ای از قرآن، مأخذ: ۱۴۰۰ سال قرآن کریم در گنجینه موزه ترک و اسلامی	قسمتی از مقامات حریری، بغداد، دوره عباسیان، کتابخانه ملی فرانسه، مأخذ: عکاشه



تصویر ۱۱. مجموعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی، مأخذ: همان.



قسمتی از قرآن بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی به خط نسخ ریحانی



قسمتی از قرآن به خط نسخ استاد نیریزی (قرن ۱۲ ق)



قسمتی از یک قطعه خط نسخ محمد علی اصفهانی (۱۲۷۸ ق)



تصویر ۱۲. شکل کاف در قرآن مجموعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی، مأخذ: همان.

تصویر ۱۰. مقایسه تناسب و شباهت کلمه الله در خطوط نسخ و نسخ ریحانی، مأخذ: همان.

از جزوهای اول، پانزده، هفده، بیست و یک و بیست و دوم استفاده شده است. در صفحه شناسنامه جزو اول، کارشناسان میراث، جلد آن را معمولی و نوع کاغذ را ترمه معرفی کرده‌اند.

هر جزو به‌طور میانگین در سی صفحه نُه سطر و دارای کمند، تنظیم و تحریر شده است ولی صفحات افتتاح که دارای تذهیب است در جزو اول پنج سطر و در بقیه جزوات، سه سطر نوشته شده است و میان سطور با گل‌های ساده‌ی خطایی تزئین شده است (تصویر-۹). رنگ غالب در تذهیب این قرآن لاجورد و طلا می‌باشد و نشانه آیه با یک گل شش‌پر، با رنگ‌های طلا، شنگرف و لاجورد مشخص گردیده است. عنوان و سرسوره‌ها در هفت جزو به خط کوفی تزئینی و پانزده جزو به خط ثلث و ریحان است که در صفحات افتتاح با سفیداب در زمینه زربوش، و صفحات داخلی با طلا و تحریر نوشته شده و با نقوش اسلیمی تزئین یافته است. رقم و تاریخ در شناسنامه اثر قید نشده است ولی با توجه به تزئینات و سبک خطوط احتمالاً مربوط به سده‌ی هفتم و هشتم هـ ق

«خط نسخ متمایل به ریحان» یاد شده است.

قرآن کامل دیگری وجود دارد که در کتاب گلچینی از قرآن‌های خطی موزه دوران اسلامی، ۱۳۷۵، صفحه ۶۵، خط نسخ معرفی شده بود که مشخصات آن قبلاً ذکر شد. (افروند، ۱۳۷۵: ۶۴؛ تصویر ۶). تقریباً ۸ سال قبل از آن در کتاب دیگری که گلستان خیال نام دارد و آثاری از نسخ خطی موزه‌های مختلف را به مناسبت شش‌صدمین سالگرد وفات خواجه حافظ شیرازی گرد آورده‌اند، کارشناسان موزه، این قرآن را خط «نسخ ریحانی» معرفی کرده‌اند (کریمی، ۱۳۶۷: ۷).

قرآن بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی به خط نسخ ریحانی



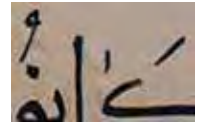


مشخصات ظاهری و نسخه‌شناختی

قرآن شیخ صفی‌الدین اردبیلی مورد بحث مقاله به‌صورت سی‌پاره (سی جزو) و در قطع رحلی نگارش و تهیه شده است. از سی جزو، بیست و دو جزو آن در مجموعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی موجود است. برای نگارش این مقاله

جدول ۲. شباهت و یکسانی واژه «الله» در خط نسخ و نسخ ریحانی، مأخذ: نگارنده.

شکل لفظ جلاله، خط نسخ ریحانی در برگی از قرآن	شکل لفظ جلاله، خط ریحان، عبدالله آماسی قرن ۱۰ هـ ق	شکل لفظ جلاله، خط نسخ ریحانی قرآن شیخ صفی قرن ۸ هـ ق	شکل لفظ جلاله، خط نسخ مبارکشاه قطب قرن هشتم هـ ق	شکل لفظ جلاله، خط نسخ یاقوت مستعصمی قرن ۷ هـ ق

جدول ۳. مقایسه شکل و اندازه اعراب در خط نسخ، محقق و نسخ ریحانی، مأخذ: همان.

				
خط نسخ منسوب به یاقوت مستعصمی	خط محقق دوره تیموری	خط نسخ ریحانی قرآن شیخ صفی	خط محقق قرآن بایسنغری	خط نسخ مبارکشاه قطب

است (قرآن، شماره موزه ۱۳۸).

حروف، شبیه هم مشاهده شدند.

در بررسی حروف و کلمات قرآن شیخ صفی الدین به نکات قابل توجهی پی برده شد که در پی می‌آیند. اعراب در قرآن شیخ صفی از خط نسخ گرفته شده است و در اکثر موارد مانند خط نسخ، با همان قلم اصلی کتابت گذاشته شده است که در مقایسه با خطوط موجود در تصویر ۱۰ و جدول ۳، کاملاً مشهود است. به عنوان مثال، شکل اعراب ضمه در خطوط ریحان و نسخ متفاوت است یعنی در خط ریحان و محقق با قلم کوچک‌تری نوشته می‌شود که به تناسب حروف آن با زاویه کم و به حالت خوابیده نوشته می‌شود اما در خط نسخ با نوک همان قلم کتابتی اجرا شده و زاویه و جهت اعراب کمی عمودتر بوده و در واقع با زاویه‌ای تند نوشته می‌شود. همان‌گونه که در جدول ۳ آمده، در قرآن شیخ صفی، اعراب، به روش خط نسخ نوشته شده است.

اعجام یا نقطه در خطوط مختلف به تناسب اندازه حروف

خصوصیات خط نسخ ریحانی در قرآن شیخ صفی

خط غالب در این قرآن خط ریحان و آمیخته به خط نسخ است که در این مقاله با عنوان «نسخ ریحانی» معرفی شده است اما همان‌گونه که قبلاً نیز اشاره شد در اثر شباهت شکل و اندام حروف به خط نسخ، کارشناسان موزه شیخ صفی الدین اردبیلی را به اشتباه انداخته و آن را خط نسخ معرفی نموده‌اند. کاتبی که نسخ ریحانی می‌نوشته، مسلماً به هر دو خط نسخ و ریحان مسلط بوده و توانسته این دو خط را باهم تلفیق کند. از بررسی صفحات قرآن چنین برمی‌آید که چون خوشنویس جزوات قرآن بقعه شیخ صفی الدین اردبیلی ضمن تسلط بر خطوط نسخ و ریحان، به سایر خطوط ششگانه نیز مسلط بوده و به همین دلیل از انواع خطوط در کتابت این مجموعه استفاده نموده و در نهایت این قرآن را به خط «نسخ ریحانی» نوشته است. خط پایه در این قرآن، ریحان است ولی اعراب و بسیاری از حروف آن نسخ می‌باشد. برای کسانی که تسلط کافی بر شناخت خطوط ندارند خط نسخ ریحانی را در نگاه اول به شکل خط نسخ و یا خط ریحان تجسم می‌کنند که کاملاً طبیعی است زیرا این خط خصوصیات هر دو خط را داراست.

برای روشن‌تر شدن بحث به توضیح و استفاده از تصویر نیاز است، از این رو در ابتدا بررسی فرم لفظ جلاله «الله» که ضمن داشتن ارزش معنوی، زیبایی بصری خاصی نیز دارد، شروع شده است. فرم و شکل کلمه «الله» در این قرآن دقیقاً شبیه «الله» خط نسخ و از لحاظ تناسب نیز هم‌اندازه «الله» در خط نسخ می‌باشد (تصویر ۹). در تصاویر جدول ۲، که از خط نسخ خطوط هنرمندان در دوره‌های نزدیک به هم استفاده شده است در مقایسه با «الله» نسخ ریحانی قرآن شیخ صفی، از نظر قواعد خوشنویسی یکسان و همانند یکدیگر دیده شدند.

زاویه شروع قلمنی در نگارش واژه «الله» یکسان بوده و حرف «ل» که شکل یکسانی پیدا کرده است. شکل «ل» وسط نیز که رو به بالا نوشته می‌شود شکل، جهت و حتی ضخامت مشابهی دارند. «ه» آخر در «الله» خطوط نسخ و نسخ ریحانی نیز از نظر شکل کلی و تناسب عناصر



تصویر ۱۳. قرآن مجموعه شیخ صفی الدین اردبیلی، مأخذ: همان.

جدول ۴. شکل دندانه سین در قرآن مجموعه شیخ صفی الدین اردبیلی، مأخذ: همان.

تَشْفَا	لَنَا	لِسْمِهِ	خَيْرًا	نَفْسًا
سَيِّئًا	شَدِيدًا	مَشْفَقًا	بِبَشَرٍ	حَسَنًا
سِينًا	سَفَا	بِث	بِحَجْرٍ	بِسْمِ



تصویر ۱۴. مجموعه شیخ صفی، مأخذ: همان.

شده است (تصویر ۱۳). احتمالاً با توجه به شباهت کلی خطوط اصول، در لحظه اول به نظر آید که در نوشتن حرف راء از خط ثلث استفاده شده است ولی با توجه به خطوط ثلثی که خوشنویس این مصحف شریف در سرسوره‌ها نوشته، این شبیه برطرف می‌گردد (جدول ۵).

شکل حروف دایره‌ای مانند ن ریحانی نوشته شده ولی در بعضی از سطرها دقیقاً و از روی عمد به شکل خط نسخ نوشته شده است (تصویر ۱۴). در صورتی که خوشنویس به همه خطوط مسلط بوده و می‌توانست به جای خط نسخ از سایر خطوط در کنار حروف و کلمات خط ریحان استفاده کند.

حروف و کلمات بسیاری نسخ‌گونه و ترکیب با ریحان نوشته شده‌اند. به عنوان مثال شکل کلمه لاهم از خط نسخ گرفته شده و در سطور مختلف تکرار شده‌اند که در تصویر ۱۵ مشخص شده است.

با توجه به مطالب ذکر شده، این‌گونه استنباط می‌شود که تقریباً نیمی از حروف به خط نسخ و بقیه به خط ریحانی است. البته آن‌گونه که قبلاً نیز ذکر شد خط پایه ریحان است ولی باز کلماتی وجود دارند که از خط نسخ متمایز



تصویر ۱۵. مجموعه شیخ صفی، مأخذ: نگارنده.

و کلمات متغیر بوده و شکل‌ها و اندازه متفاوتی دارند. به عنوان مثال، شکل نقطه در خطوطی مثل ثلث، ریحان و محقق که اندام درشتی دارند مستطیل شکل بوده و مقداری از مربع بزرگتر هستند و در خطوطی مانند نسخ و رقاع که اندام کوچک‌تری دارند اندازه نقطه شبیه مربع است. در قرآن شیخ صفی به خط نسخ ریحانی، نقطه عموماً متناسب با خط نسخ نوشته شده است.

اندازه «الف» در قرآن شیخ صفی تقریباً با اندازه «الف» خط نسخ، هماهنگی دارد با این تفاوت که الف‌ها در این قرآن طره دارند ولی فرم طره آن‌ها شبیه طره نسخ و رقاع است. دندانه‌های حروفی مانند (سین و ب، ت، ث، ی، ن، وصل)، در شروع و وسط، هماهنگ با اصول و قواعد خط نسخ هستند (جدول ۴).

در قرآن مجموعه شیخ صفی الدین، حروف م، ل، ر هم در شروع کلمات و ترکیب با سایر حروف، به خط نسخ نوشته شده‌اند (تصاویر ۱۱-۱۲-۱۳).

در بررسی قرآن مورد بحث مقاله، مشاهده گردید که بعضی از حروفی مانند ص و ط هم شبیه خط نسخ بوده و از نظر تناسب، هم اندازه آن نوشته شده است. حرف ه دو چشم و ه تنها و همچنین ع شروع، غالباً با اصول نسخ نوشته شده‌اند (تصویر ۱۱).

فرم حرف ک در اکثر خطوط شش‌گانه شبیه به هم است و شکل اولیه آن از کوفی تحریری گرفته شده که به آن کاف کوفی می‌گویند. در صفحات قرآن شیخ صفی الدین اردبیلی، شباهت این حرف به خط نسخ بیشتر متمایل است (تصویر ۱۲).

نکته‌ای که باید یادآور شویم این است که منظور نگارنده از خط نسخ خط نسخی است که تقریباً هم‌دوره این قرآن نوشته می‌شده است (تصویر ۱). زیرا خط نسخ طی سالیان تحولاتی پیدا کرده و در عصر حاضر به شیوه‌های مختلفی از جمله عربی، ایرانی، ترکی و هندی نوشته می‌شود.

از دیگر نکات قابل توجه در بررسی حروف و کلمات این قرآن این بود که حرف ر وصل، در انتهای عناصر کلماتی مانند بقر، الحر، یحز، لعر، طر، شجر، عز و بسیاری ترکیبات حروف، دقیقاً مطابق با اصول خط نسخ نوشته



شکل حروف و کلماتی که کاملاً نسخ بوده و در این قرآن استفاده شده اند. این حروف فقط از سه صفحه استخراج شده اند.

تصویر ۱۶. حروف و کلمات خط نسخی مورد استفاده در قرآن شیخ صفی. مأخذ: همان.

و قابل تشخیص نیستند. کلماتی نیز وجود دارند که خیلی شبیه خط نسخ هستند: وصل حرف «ی» آخر در کلماتی مانند «علی» و «فی» - حرف «ه» در وسط کلماتی مانند «لها» - حرف ل در شروع کلمات مانند «لحر و لجا و ...» - شکل «سر» در کلمه «اسر حکم» - شکل کلمه لا در وصل به کلماتی مانند «للا و جمیلا و ...» همچنین شکل کلماتی مانند عظه، بقره، تخشیه، عزیز، کا، نسا، مقتصد، هی

سی، بن، علی النبی، علیک، الله، همز منها، ایما، عا، النبا، نة یضاعف لها، اظالمه، لا یغزب عنه مثقا، یفا.

عنه مثقا، بفا کاملاً مطابق با قواعد و شکل خط نسخ است که به ترتیب در تصویر ۱۶ قابل مشاهده است. برای مقایسه «خط نسخ ریحانی» و «خط ریحان» تصویری تهیه شده است که دو صفحه از دو قرآن مجزا را با مطالب و قطع صفحات مشابه در کنار هم نشان می‌دهد. مقایسه و نتیجه‌گیری نشانگر تفاوت آنها خواهد بود (تصویر ۱۷).



قرآن به خط نسخ ریحانی - قطع رحلی - شماره موزه ۱۳۸
بقعه شیخ صفی الدین اردبیلی (منبع تصویر، نگارنده)

قرآن به خط ریحان (محقق) - سده ۹ هجری - قطع رحلی - شماره موزه ۴۵۳۶
(کلجینی از قرآتهای خطی موزه دوران اسلامی، ۱۳۷۵: ۷۰)

تصویر ۱۷. مقایسه خط ریحان با خط نسخ ریحانی، مأخذ: همان.

نتیجه

خط نسخ ریحانی یکی از خطوط خوشنویسی است که همزمان با خطوط ششگانه در کتابت نسخ خطی و به خصوص قرآن کریم مورد استفاده قرار می‌گرفته است. در برخی منابع، فقط به عنوان «خط نسخ ریحانی» یا نسخ شبیه به ریحان و محقق اشاره شده و در تعداد زیادی از کتب و رسالات هم به اشتباه، آن را به عنوان خطی دیگر معرفی کرده‌اند.

خط نسخ ریحانی ترکیبی از خطوط نسخ و ریحان است که به تناسب سبک شخصی کاتب، یکی از خطوط، به عنوان پایه و اساس کتابت می‌شد و عناصر حروف و اشکال خط دیگر هم، با آن ترکیب و هماهنگ شده و کتابت می‌شدند. عمل ترکیب و تلفیق خطوط در خطوطی مانند توقیع و رقا، ریحان و محقق، تعلیق، دیوانی و نستعلیق، سابقه داشته و در اثر نیاز به تندنویسی، زیبانویسی، ایجاد تنوع و عوامل گوناگون دیگری انجام شده است. «خط نسخ ریحانی»، اندامی مابین دو خط نسخ و ریحان داشته و خطی منسجم است. «خط نسخ ریحانی» در نگاه اول شبیه هر دو خط نسخ و ریحان است ولی با دقت بیشتر می‌توان اشکال مختلف هر یک از خطوط را مشاهده کرد.

«خط نسخ ریحانی» برای تنوع در کتابت، توجه و اهمیت به زیبانویسی قرآن، تندنویسی و فشرده‌نویسی در کتابت و یا جذابیت‌بخشی به خطوط نسخ و ریحان به وجود آمد که در نسخه‌های خطی و مصحف شریف موجود در موزه‌ها و کتابخانه‌ها، نمونه‌های مختلفی از این خط یا سبک نگارشی مشاهده شده است. شاید هم، سبک شخصی خوشنویس و کاتب باعث به وجود آمدن «خط نسخ ریحانی» بوده است و یا عامل نیاز به فشرده‌نویسی و سعی در شبیه‌سازی خط ریحان به نسخ، این اتفاق رخ داده و خطی جدید ایجاد شده است. عامل نیاز یکی از علل ابداع و اختراع یک پدیده و فعالیت در زمان‌های مختلف بوده و شاید به همین سبب کاتب می‌کوشیده است که خط ریحان را کمی فشرده‌تر و جمع‌تر از حالت اصلی بنویسد و ناخودآگاه آن را شبیه به خط نسخ نگاشته است. در خصوص به وجود آمدن خط ریحان از خط محقق نیز همین فرضیه صادق است زیرا خط محقق اندامی خیلی درشت داشته و با قلم جلی نوشته می‌شد که نیاز به کاغذ و مرکب زیادی بود از این رو خط محقق در اندازه کتابت و خفی نوشته شد که به آن خط ریحان گفته شد.

به علل مختلفی خط نسخ ریحانی در منابع قدیمی معرفی یا ثبت نشده است. ۱. شباهت زیاد دو خط نسخ و ریحان و عدم تمیز آن‌ها از یکدیگر می‌تواند یکی از دلایل مهم برای ثبت نشدن «خط نسخ ریحانی» در کتاب‌های تاریخی و منابع قدیمی باشد. ۲. عامل دیگر در نبود عنوان «خط نسخ ریحانی» در منابع، این می‌تواند باشد که با تکامل و مقبولیت خط نسخ، «خط نسخ ریحانی» هم مانند سایر خطوط منسوخ شده و در دوره‌های بعد نشانی از آن باقی نمانده است. ۳. از عوامل دیگری که باعث شده «خط نسخ ریحانی» در کنار سایر انواع خطوط خوشنویسی مطرح و معرفی نشود، عدم شناخت کارشناسان و خط‌شناسان در مورد ویژگی انواع خطوط است.

نتایج حاصل از تحلیل و بررسی قرآن مجموعه بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی این بود که مصحف مزبور، مانند بسیاری از قرآن‌های کتابت‌شده از دوره سلجوقی تا صفوی موجود در کتب و موزه‌ها به خط نسخ ریحانی کتابت شده است. در قرآن شیخ صفی پایه و اساس کتابت خط ریحان بوده و به طرز زیبا و منطقی با اشکال خط نسخ آمیخته شده است. در این مصحف، تقریباً نیمی از حروف الفباء و اعراب و اِجَام بر طبق قواعد و اصول خط نسخ نوشته شده و بقیه به «خط ریحانی» هستند.

منابع و مأخذ

ابن‌بواب، علی بن هلال. ۱۳۷۷. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

- ابن عباسی، ادريس و مقتدایی، علی اصغر. ۱۳۹۰. هنرهای دستی و سیر تحول آن در ایران. تهران: جمال هنر.
- افروند، قدیر. ۱۳۷۵. گلچینی از قرآن‌های خطی موزه دوران اسلامی، هنر اسلامی. تهران: نشر موزه ملی ایران.
- پاک‌سرشت، مرتضی. ۱۳۷۸. خوشنویسی در خدمت کتابت قرآن مجید. تهران: قدیانی.
- موسوی جزایری، سید محمد وحید. خط و خوش نویسی، جلد دوم: خطوط نسخ و ثلث، نشر آبان، ۱۳۸۹.
- پيله چي قزوینی، احمد. ۱۳۸۶. کلک مسیحا، آثار خوشنویسان بزرگ ایران قرن ۱۰-۱۴، مجمع ذخایر اسلامی، قم.
- چهرازی، منصور. (۱۳۸۰). «تاریخچه تکوین خط نستعلیق»، آموزش تاریخ، شماره ۸.
- ذابح، ابوالفضل. خوشنویسی در جهان اسلام، هنرهای تجسمی، تهران، بهار و تابستان ۱۳۶۴.
- زین الدین، ناجی. ۱۴۰۰ هـ، ۱۹۸۰ م. مصور الخط العربی. مکتب النهضه البغداد، دار القلم بیروت.
- سحاب، عباس. ۱۳۸۱. اطلس چهارده قرن هنر اسلامی (ج دوم، هنر خوشنویسی از آغاز تا امروز). تهران: موسسه جغرافیایی و کارتوگرافی سحاب.
- شیمیل، آن ماری. خوشنویسی و فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۸. اسدالله آزاد. تهران: انتشارات قدیانی.
- صفایی، صابر. فصل‌نامه صفای اندیشه، شماره اول، ۱۳۸۷.
- فضائلی، حبیب الله. ۱۳۷۶. تعلیم خط. تهران: انتشارات سروش.
- قرآن کریم، جزواتی از قرآن. مجموعه بقعه شیخ صفی الدین اردبیلی. شماره موزه ۱۳۸.
- قلیچ خانی، حمید رضا. خط و خوشنویسی در گذر زمان، کتاب ماه هنر، نشر خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۳.
- کریمی، فاطمه. ۱۳۶۷. گلستان خیال. تهران: وزارت فرهنگ و آموزش عالی، نشر سازمان میراث فرهنگی کشور با همکاری کمیسیون ملی یونسکو در ایران.
- محمدی، ایران؛ دوالو، منصور. ۱۳۸۷. تاریخ هنر ایران. تهران: سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، انتشارات مدرسه.
- عبدالله صیرفی، رساله آداب الخط، ۱۳۷۲. در کتاب آرایبی در تمدن اسلامی (مایل هروی، نجیب)، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.
- نظریان، داود و دیگران، مصحف بهارستان، برگ‌هایی زرین از قرآن‌های نفیس در کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۸.
- یوسفی، حسین. ۱۳۹۱. چهل آینه، چهل سوره حمد از قرآن‌های نفیس کتابخانه و موزه ملی ملک. مشهد: آستان قدس رضوی.
- عکاشه، دثروت. ۱۹۹۲. فن الواسطی من خلال مقامات الحریری، اثر اسلامی مصور، دارالشروق، قاهره.



- Azhand, Yaghoub. (2005). Calligraphy in the Herat School. Khane Ketab publications. Tehran.
- Chare'e, Abdoreza. (2005). The roots of the written signs, pp 72-93. Ketab Mah Honar publications.
- Chrazi, Mansour. (2002). History of the development of the Nastaliq calligraphy. Journal of History Training, No. 8.
- Ebn Abbasi, Edris. Mogtadaea, Aliasgar. (2012). Handicrafts and the evolution of it in Iran. Jamal e Honar. Tehran.
- Ebn e Abvab, Ali bin Hilal. (1999). Headquarters of the 6th Quran Exhibition. Ministry of Culture and Islamic Guidance. Tehran.
- Fazaali, Habibollah. (1998). Education Of Handwriting. Soroush Publications. Tehran.
- Gelichkhani, Hamidreza. (2005). Handwriting and calligraphy over the time. Khane Ketab publications. Tehran.
- Holy Quran, pamphlets of the Qur'an. Sheikh Safi al-Din Ardebili's Sanctuary. Museum number 138. <https://thewalters.org/search/qur+Can+mubarakshah#gsc.tab> <http://www.mirasmaktoob.ir>
- Karimi, Fatemeh. (1989). The fiction rosary. Ministry of Culture and Education, National Cultural Heritage publication House in cooperation with the UNESCO National Commission in Iran. Tehran.
- Mahmoud bin Muhammad. (1994). Treatise on the rules of the calligraphy. In the book of the Islamic Civilization (Mayel Heravi, Najib). Astan Quds Razavi Publications. Mashhad.
- Mazinani, Ali. (2007). Library and Librarianship. Samt publications. Tehran.
- Mohammadi, Iran. Davalou, Mansour. (2009). History of Iranian art. Research and Planning Organization. Madraseh Publications. Tehran.
- Mousavi Jazayeri, Sayyed Mohammad Vahid. (2011). Calligraphy, Vol. II: Nashkh and Sols. Aban publications.
- Nazarian, Davoud. (2010). Mashhav Baharestan, golden leaves of exquisite Quran in the library. museum and documents center of the Islamic Consultative Assembly.
- Pakseresht, Morteza. (2000). Calligraphy serves the book of Quran Majid. Ghadiani publications. Tehran.
- Pilechi Gaivini, Ahmad. (2008). Works of the Great Calligraphers of Iran from the 10-14th Century. Islamic Reserve Assembly. Qom.
- Rahjiri, Ali. Brief History of Calligraphy Line in Iran. Emad publications. Tehran.
- Refighi Heravi, Majnoon. (1994). Literary dissertation. In the book of the Islamic Civilization (Mayel Heravi, Najib). Astan Quds Razavi Publications. Mashhad.
- Sabzevari, Fatollah. (1994). Treatise on the principles and rules of the sextet calligraphies. In the book of the Islamic Civilization (Mayel Heravi, Najib). Astan Quds Razavi Publications. Mashhad.
- Safaea, Saber. (2009). Safaye Andisheh Seasonal Journal. No. 1.
- Sahab, Abbas. (2003). Encyclopedia for Fourteen Centuries of Islamic Art (Vol. II, Calligraphy Art from the Beginning Until Today). Institute of Geography and Cartography of the Sahab. Tehran.
- Shimmel, An Marie. (1990). Calligraphy and Islamic Culture. Azadullah Azad. Ghadiani Publications. Tehran.
- Sirfi, Abdollah. (1994). Al-Khat mores treatise. In the book of the Islamic Civilization (Mayel Heravi, Najib). Astan Quds Razavi Publications. Mashhad.
- turk ve islam eaerleri muzesi kur,an-i kerim koleksyonu, 1400 yilinda, qur,an-i kerim.
- Yousefi, Hossein. (2013). Forty Mirrors, Forty Surahs Hamd of Exquisite Quran of the Library and National Museum of Malek. Astan Quds Razavi. Mashhad.
- Zabeh, Abolfazl. (1986). Calligraphy in the Islamic world. visual arts. Tehran.
- Zeinodin, Naji. (1980). Arabic Calligraphy Photographer. Al Nahda Office Baghdad. Dar Al Qalam. Beirut.

SNaskhRayhaniScript; TheUnknown Treasure of Islamic Calligraphy Case study: Sheikh Safi al-Din Ardabili Universal Complex,s Qur'an

Saber Safaie, PhD in Art, Lecturer at Farhangian University, Tehran, Iran.

Recieved: 2018/05/20 Accepted: 2018/11/08



The Islamic calligraphy, a part from writing religious contexts, has had a basic impact and application on a variety of Islamic and Iranian arts. In the early centuries AH, due to the vast application of writing, along with a variety of Kufic scripts, generally the sextet scripts (Thuluth, Toqee, Regha, Rayhan, Mohaghag, Naskh) have been used to write different parts of the holy Qur'an. To the extent that there are plenty of manuscripts which have been written and prepared, and among those, the «NaskhRayhani» script was also developed due to the aesthetic and versatility of calligraphy artists to beautify the holy Qur'an, but regretfully previous sources have not paid close attention to this style of calligraphy. There are plenty of artworks in «NaskhRayhani» style in different sources, but this style of calligraphy has been wrongly called Naskh, Mohaghag, Rayhan or Thuluth in most of the sources. Due to the importance of traditional manuscripts and traditional calligraphy, which is being ignored, the study of such works is essential. In this paper, researcher has tried to analyze «NaskhRayhani» calligraphy style along with an analysis of the Qur'an kept in Sheikh Safi al-Din Ardabili's collection. This paper has been written using Analytical-descriptive method and library sources along with reference to the visual works. It aims to answer the following question: If there was ever a «NaskhRayhani» script and it has been used, why has it never been known?» Indeed, it should be said that like Toqee, Regha, Taligh, Nastaligh and other scripts which are each made up of a combination of two or more scripts, in the Sheikh Safi Qur'an, Rayhan script is the basis which combination with Naskh script with a special delicacy has led to the development of «NaskhRayhani» style. The results suggest that the creation of the «NaskhRayhani» script is caused by the factor which we can name the "Reverence to the divine revelation; an effort to write Qur'an beautifully and to make a diversity in calligraphy of the holy Qur'an" as chief of them. "NaskhRayhani" remained unknown partly due to lack of accuracy and time-consumingness of this script compared to the «Naskh» script as well as being similar to the common styles of that era. Also, because existing sources are generally overwritten from previous ones or have not been adequately accomplished, there is no mention of «NaskhRayhani» script in the calligraphy sources and references. «NaskhRayhani» script was created to make diversity in writing and to draw attention and importance to the beautifulness of the Qur'an's writing as well as to write fast and conveniently which is evident in the manuscripts and the holy Quran kept in museums and libraries. Several examples of this script or calligraphy style have been observed. Perhaps, the personal style of the calligrapher and the scribe has led to the emergence of "NaskhRayhani" style. Or maybe the needs for compressed words and the attempts to simulate the Rayhan script in the Naskh led to a new calligraphy style called «NaskhRayhani». The results of the analysis of the Qur'an of Sheikh Safi al-Din Ardabili's collection suggest that the aforementioned Qur'an, like most of the written Qur'ans from the Seljuk to the Safavid eras, was written in the «NaskhRayhani» calligraphy style. In the Qur'an of Sheikh Safi al-Din Ardabili's collection the foundation of the writing was based on Rayhan script, but it has blended with forms of the Naskh script beautifully and logically.

Keywords: NaskhRayhani, Writing, Naskh Script, RayhanScript, Qur'an, Sheikh Safi al-Din Ardabili.

References: Afrvand, Qadir. (1997). An anthology of the Qur'an of the Islamic Museum, Islamic Art. Iran National museum publications. Tehran.

Akkasheh, D, Servat. (1992). The art of the wasti through Makamat al-Hariri, the effect of Islam photographer. Dar al-Sharaouq. Cairo.